

محاكمه ميلوشه ويچ در لاهه؛ عدالت جهانی يا حاکمیت زور مدارانه جهانی؟!

**نحوه انتقال رییس جمهور سابق یوگسلاوی به لاهه نشان می دهد حق حاکمیت ملی
یک دولت و ملت و قوانین آن کشور کاملاً نادیده گرفته شده است**

پرتلفات ربا باعث شدند، حتی محاکمه هم نشدند. "میلوشه ویچ" چند ساعت پس از این که دادگاه قانون اساسی فدراسیون یوگسلاوی، مصوبه شورای وزیران جمهوری صربستان (عضو بزرگترین فدراسیون یوگسلاوی) مبنی بر تسلیم وی به دادگاه لاهه را رد کرد و همه تصور می کردند امر استرداد تا اتخاذ تصمیم نهایی از سوی دیوان عالی فدراسیون به حالت تعلیق درآمده است، تحویل دادگاه لاهه شد. پئیندئیچ (Pjindjic) نخست وزیر صربستان که این اقدام را انجام داد، بلافاصله پس از خارج شدن "میلوشه ویچ" از مرکز یوگسلاوی، از رادیو اعلام کرد که او این کار را به مسئولیت خود و بدون توجه به تصمیم دادگاه یوگسلاوی، (نه، صربستان) انجام داده، زیرا که یوگسلاوی به یک میلیارد دلار کمک غرب برای ترمیم خرابی های ناشی از حملات هوایی ناتو و تحریم اقتصادی نیاز مبرم دارد و وزیر خارجه آمریکا به او تلفنی گفته بود که تا "میلوشه ویچ" تحویل نشود، پولی داده نخواهد شد و من که "میلوشه ویچ" را تنها سدراه این کمک و نیز تجدید دوستی غرب بایوگسلاوی می دیدم، به ناچار وی را تحویل دادم!!! پئیندئیچ که پس از انتخابات اخیر منصوب شد، یک لیبرال است که به

برهاند، شانس آوردند که زنده نمانند تا در یک کشور بیگانه محاکمه و مجازات شوند از جمله لنین، مانو و ... حتی دستیاران هیتلر هم در خاک آلمان محاکمه شدند. لیندن جانسون رییس جمهوری آمریکا هم باید در آن دنیا شاد باشد که زنده نماند تا به جرم کشتار میلیون ها ویتنامی، فرضاً در خاک پر مه محاکمه شود! همین طور انگلیسی ها و اسپانیایی هایی که سرخ پوستان قاره آمریکا را سلاخی کردند تا در سرزمین های ایشان سکونت کنند و آغا محمدخان قاجار که در سال ۱۷۹۴ میلادی در

۲۸ ژوئن (۷ تیر) سلو بودان میلوشه ویچ "Milosevic"، مردی را که تا اکتبر سال پیش به مدت ۱۲ سال در صدر جمهوری یوگسلاوی بود و هنوز رییس بزرگترین حزب این کشور است، بدون اطلاع "کاشتونیکا" رییس جمهور فعلی، از زندان بلگراد بیرون آوردند، بایک مینی بوس پلیس به فرودگاهی بردند و از آنجا با هلی کوپتر به بوسنی منتقل کردند تا با یک هواپیمای نظامی آمریکا به شهر لاهه پایتخت هلند منتقل شود. سپس او را از میان انبوه مردمی که مخالفش بودند، عبور دادند و به زندان انداختند تا به اتهام "جنایتکار جنگ" در دادگاه ویژه سازمان ملل، که اخیراً به همین نام تأسیس شده، محاکمه و مجازات شود.

او که دو سال پیش رسماً متهم شده بود به دستور وی مأموران امنیتی وی در کوزوو مرتکب قتل مردم شده اند، چهار روز پس از انتقال به هلند، در یک جلسه مقدماتی دادگاه، تفهیم اتهام شد. "میلوشه ویچ" به "قصاب بالکان" شهرت یافته است. بسیاری از محافل و مجامع او را مسئول کشتارهای جمعی مردم سرزمین هایی که یوگسلاوی یک پارچه سابق را تشکیل می دادند، می دانند. کسی مخالف محاکم و مجازات چنین اشخاصی نیست. اما باید توجه داشت که این نخستین بار در تاریخ بشر است که یک رییس



"پئیندئیچ" نخست وزیر خبر تسلیم "میلوشه ویچ" را از رادیو اعلام می کند.

جریان انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب استقلال آمریکا] چشمان هزاران مرد کرمانی را از حدقه به در آورده.

"توریه گا" هم که برای محاکمه و مجازات از پاناما به آمریکا برده شد؛ او لاً رییس انتخابی کشور پاناما نبود بلکه با کودتاری کار آمده بود و تازه اتهام او قاچاق مواد مخدر به آمریکا بود. می دانیم که سران ایالت های جنوبی آمریکا که ۱۴۰ سال پیش یک جنگ برادر کشی چهار ساله

کشور، آن هم به خاطر حوادث یک جنگ داخلی، در کشوری دیگر محاکمه و مجازات می شود و نخست وزیر دولت متبوعش، علی رغم مخالفت دستگاه های قانونی دیگر کشور، وی را به خارج تحویل داده؛ ضمن این که باید توجه داشت وی در جنگ اسیر نشده است.

به این ترتیب، همه سران کشورهایی که در طول تاریخ وارد جنگ داخلی شدند تا و طنشان را از تجزیه

اعتراض ها و پیامدها

"کاشتونیکا" رییس فدراسیون یوگسلاوی که یک ناسیونالیست صرب است، این اقدام نخست وزیر صربستان را عملی غیرقانونی و خودسرانه که به صلح بالکان و رفاه مردم آن کمک نخواهد کرد و عواقب زینبار

جامعه‌شناسی و از فرضیه پردازان سوسیالیسم در جهان به‌شمار می‌رود، ارثی است. مادر او که یک پارتیزان بود به دست نازی‌ها کشته شد. میریانا که دبیری حزب کمونیست یوگوسلاوی را برعهده دارد، همواره مشاور و مشوق شوهرش در کارها بوده است. میلو شه ویچ^۲ که در عین حال یک ناسیونالیست صرب است و بارها به سران روسیه، لهستان، اوکراین، اسلواکی و سایر سرزمین‌های اسلاو نشین پیشنهاد ایجاد یک کنفدراسیون پان اسلاویسم را داده بود، پیش از به دست گرفتن سمت سیاسی، مدیر بانک و برنامه ریز اقتصاد سوسیالیستی یوگوسلاوی بود. در سال ۱۹۷۹، وی اولین صاحب نظری بود که پس از تصویب

به مناسبت ششصدمین سالروز این شکست برپا شده بود، قول داد که نگذارد صرب‌ها بار دیگر از دشمن خارجی شکست بخورند! همین احساس، میلو شوویچ را در ۱۲ سال اخیر وارد این همه جنگ و تلاش کرده بود و دیدیم که چگونه در ژوئن ۲۰۰۱، چند صرب او را به نیروهای خارجی تحویل دادند!!!

میلو شه ویچ^۳ که روز ۲۹ اوت ۱۹۴۱ (اثنای جنگ دوم جهانی) از یک پدر و مادر آموزگار به دنیا آمده است و طبع شعر هم دارد و کارشناس حقوق اقتصادی است، از جوانی به حزب کمونیست یوگوسلاوی پیوست و با میریانا که او نیز یک کمونیست است، ازدواج کرد. کمونیست بودن در خانواده میریانا که پروفیسور

جهانی خواهد داشت، اعلام کرده است. نخست وزیر فدراسیون یوگوسلاوی و معاون او هم به همین دلیل به عنوان اعتراض کناره‌گیری کرده و باعث بحران سیاسی شده‌اند. مونته‌نگرو^۴، کشور کوچکتر عضو فدراسیون یوگوسلاوی که والدین میلو شه ویچ^۵ از آنجا هستند، نیز به این اقدام نخست وزیر لیبرال دمکرات صربستان اعتراض کرده است. این عمل باعث اعتراض بسیاری از صرب‌ها و تظاهرات آنان و نیز ناخرسندی اسلاوهای اروپا، از جمله سران روسیه شده است. ولی، شادمانی غرب‌رادرپی داشته که بایک تیر دو نشانه زده است: یکی ضربه شدید به کمونیسم و دیگری به ناسیونالیسم صرب که میلو شه ویچ^۶ مظهر هر دو به‌شمار می‌رفت. این شادی غرب به این ترتیب انعکاس یافت که کنفرانس کشورهای اروپای غربی و آمریکادر بروکسل، یک روز پس از تحویل میلو شه ویچ^۷ به زندان لاهه به جای یک میلیارد وعده داده شده، قول پرداخت یک میلیارد و ۲۸۰ میلیون دلار وام و کمک بلاعوض به یوگوسلاوی را داد که ۵۳۰ میلیون آن را اروپای غربی و ۱۸۲ میلیون دلار آن را آمریکا به صورت کمک و بقیه را بانک جهانی که در کنترل غرب است به عنوان وام پرداخت خواهد کرد.

میلو شه ویچ^۸ پس از شکست در انتخابات اکتبر گذشته، به اتهام سوء مدیریت به زندان بلگراد افکنده شده بود و "کاشتونیکا" جانشین او قول داده بود که هرگز یک تبعه یوگوسلاوی را تحویل دادگاه خارجی نخواهد داد. هواداران میلو شه ویچ^۹، که در بلگراد برضد این اقدام دست به تظاهرات زده‌اند، می‌گویند هرگز باور نمی‌کنند که مأموران صرب رییس سابق خود را تحویل داده باشند!

تحویل میلو شه ویچ^{۱۰} درست در سالگرد روزی انجام شد که یک ناسیونالیست صرب به نام "کاوریلو پرینزیپ" در ۸۷ سال پیش (۲۸ ژوئن ۱۹۱۴) فرانتس فریدیناند ولیعهد اتریش و زنتش را در شهر "ساریوو" ترور کرد و دولت صرب حاضر نشد به اتریش اجازه دهد در این باره رأساً تحقیق کند. اتریش نیز به همین بهانه برضد صربستان وارد جنگ شد. روسیه به کمک هم‌نژاد "اسلاو" خود شتافت که در نتیجه آتش جنگ جهانی اول روشن شد و ده‌ها میلیون نفر را به کام مرگ فرستاد و نقشه‌های جغرافیایی را تغییر داد.

درست در همین روز، در ۶۱۲ سال پیش (۲۸ ژوئن ۱۲۸۹) صرب‌ها در کوزوو از عثمانی‌ها شکست خوردند و این شکست باعث ظهور ناسیونالیسم صرب شد که هنوز هم ادامه دارد. میلو شه ویچ^{۱۱} ۱۲ سال پیش، در همین روز در محل شکست صرب‌ها در مراسمی که

ویژگی‌های دادگاه سازمان ملل

"دادگاه سازمان ملل برای محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگ" که این روزها به خاطر میلو شه ویچ^{۱۲} نامش بر سر زبان‌ها افتاده در سال ۱۹۹۳ با مصوبه شورای امنیت سازمان ملل، در جریان خشونت‌های بالکان تأسیس شده و اینک ۳۹ نفر را در زندان خود دارد. هر کدام از زندانیان دارای یک سویت هستند و می‌توانند غذای مورد علاقه خود را شخصاً تهیه کنند، به کتاب، روزنامه، رادیو-تلویزیون و تلفن دسترسی داشته باشند و هر روز تا هفت دقیقه به هر نقطه از جهان تلفن بزنند و با هر کس که بخواهند ملاقات کنند. این دادگاه که نباید آن را دادگاه لاهه اشتباه گرفت، دارای یک تالار دادرسی به ابعاد هشت در بیست متر است. متهم روی یک صندلی آبی رنگ می‌نشیند و در طرفینش نمایندگان قضایی او و دادیاران دادگاه روی صندلی‌های قهوه‌ای رنگ جلوس می‌کنند. مترجمان در کیوسک‌های شیشه‌ای در طرفین اطاق قرار می‌گیرند. زبان رسمی دادگاه، فرانسه و انگلیسی است. تالار گنجایش ۱۳۰ تماشاگر را دارد. شش دوربین از جزییات مذاکرات، صدا و تصویر تهیه می‌کند که خبرنگارانی که برایشان در تالار جا نباشد، در اطاق‌های مجاور در جریان قرار می‌گیرند. دادگاه بدوی دارای سه قاضی و دادگاه تجدید نظر دارای شش قاضی است. ریاست دادگاه بدوی را در حال حاضر ریچارد می^{۱۳} Richard May قاضی انگلیسی، که به سختگیری معروف است، برعهده دارد و دادستان دادگاه (رییس گروه تحقیق) که باید از کیفر خواست دفاع کند خانم کارلا دل پونتته^{۱۴} Carla Del Ponte است. هنگام ورود قضات، متهم و سایر کسانی که در تالار هستند باید بپا خیزند و پس از این که قضات جلوس کردند، به اشاره مأمور انتظامی تالار بنشینند. همین مأمور ورود قاضی را لحظه‌ای پیش از پا گذاردن به تالار اعلام می‌کند. [معلوم نیست که میلو شه ویچ^{۱۵} این تشریفات را رعایت کند، زیرا که گفته است این دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسد. او را با پرداخت پول و دادن وعده به گروهی خائن، ربوده و برخلاف رأی دادگاه یوگوسلاوی به آنجا برده‌اند، و محاکمه او یک سیرک سیاسی است که "ناتو" به خاطر گرفتن انتقام از او و زهرچشم از کشورهای دیگر، ترتیب داده است. فقط صرب‌ها هستند که حق دارند او را محاکمه کنند].

اتهامات میلو شه ویچ^{۱۶} در ۵۴ صفحه تنظیم شده است که فاقد اسناد لازم هستند. او متهم به کشتن ۶۰۰ نفر به دست مأموران خود شده است که باید سندی در دست باشد که او دستور این کار را داده است. اسناد موجود عموماً عکس‌های ماهواره‌ای و ادوات جاسوسی و ضبط مکالمات تلفنی و دستورهای مخابراتی هستند. به شیوه دادرسی انگلوساکسون، اگر متهم حاضر به تأیید اتهامات شود به او در مجازات تخفیف داده خواهد شد و محاکمه‌ی طولانی در کار نخواهد بود که به آن (Plea Bargain) می‌گویند. اتهامات وارده به میلو شه ویچ^{۱۷} عمدتاً توسط خانم "نانسی پاترسون" بازپرس آمریکایی مقیم نیویورک جمع‌آوری شده است.

و اعلام قانون اساسی جمهوری اسلامی آن را در بسیاری از اصول، یک قانون اساسی سوسیالیستی خوانده بود که در همان زمان، نظری در مطبوعات تهران منعکس شد.

آثار و نتایج عمل بی سابقه ای که در ۲۸ ژوئن سال ۲۰۰۱ انجام شد تا به آن حد وسیع و پیچیده است که به این زودی آشکار نخواهد شد. باید منتظر ماند و دید که واکنش اسلاوها و مخصوصاً صرب ها از دیدگاه ناسیونالیستی، عکس العمل هواداران عدالت اقتصادی از نظرگاه سوسیالیستی و اظهار نظر کشورهای غیر غربی (خارج از قلمرو ناتو) از زاویه اجرای نیت این استعمارگران سابق، با ابزارهای خودساخته و نوین تحت نام قانون و نظم جهانی، چه خواهد بود. غرب که از آغاز، کمر به ساقط کردن دولت های کمونیستی اروپا و جنبش های ناسیونالیستی بسته بود، از دیر زمان، هدف خود را از میان برداشتن میلوشه و یچ او را که آخرین پاسدار آن در اروپا و سدی در سر راه خود می دید، تعیین کرده بود و چون "میلوشه و یچ" دست به مقاومتی شدید و لجوجانه زد در صدد تنبیه او به صورتی برآمد که در عین حال، باعث وحشت و ارباب امثال او در جهان شود. کمترین تأثیر پیروزی غرب از عمل ۲۸ ژوئن ۲۰۰۱ این خواهد بود که شماری از کسانی که خدمت به وطن و تأمین عدالت عمومی را هدف خود قرار داده اند، تغییر جهت دهند و در درجه اول در فکر منافع خود باشند و با مثال آوردن از سرنوشت میلوشه و یچ که همان صرب ها - ولو چند نفرشان - که به خاطرشان خطر کرده بود، وی را دست بسته به دشمن تحویل دادند، خود را قانع به خویشتن دوستی کنند و

این همان چیزی که استعمارگران بین المللی می خواهند و ناگفته پیداست که ادامه این تفکر (خویشتن دوستی) باعث بسط فساد خواهد شد.

تشکیل دادگاه بین المللی (بی طرف مطلق) برای محاکمه و مجازات مرتکبین جنایت بر ضد بشریت،

با استمرار روش جدیدی که

اجرای آن آغاز شده،

استبعادی نیست که غرب،

رهبران ملی و مردمی را هم

به بهانه های مختلف به دادگاه

خودساخته بین المللی بکشاند

آرزوی بزرگی است، ولی نه دادگاهی که فقط به دنبال کسانانی باشد که غرب روی آنها انگشت می گذارد و پلیس این دادگاه هم غرب باشد که شهرت به استعمار و به بند کشیدن و توطئه بر ضد مخالفان منافع خود و عربده کشی و قدرت نمایی دارد. تازه چنین دادگاهی نمی تواند عملی مغایر قوانین ملی انجام دهد و در صدد نقض حاکمیت ملی کشورها برآید و در انتخاب متهم، تبعیض روا دارد و یا از آدم ربایی؛ حتی اگر این فرد میلوشه و یچ باشد، دفاع کند و بر نتیجه این کار صحنه بگذارد. حقوق دانان معتبر گفته اند که اگر میلوشه و یچ برخلاف اراده دادگاه

قانون اساسی یوگوسلاوی و رییس جمهوری این فدراسیون روده شده و به آن دادگاه تحویل شده باشد، نمی توان او را محاکمه کرد، زیرا که دادگاه سازمان ملل هم شریک جرم آدم ربایی خواهد بود. این دادگاه یوگوسلاوی است که باید با استرداد میلوشه و یچ موافقت می کرد یعنی از حق ملی می گذشت.

تحویل میلوشه و یچ، چند روز پس از دیدار کوتاه "پوتین" رییس جمهوری روسیه از یوگوسلاوی صورت گرفت. وی پیش از این دیدار با رییس جمهوری آمریکانین مذاکره کرده بود.

به هر حال، هنوز زود است درباره ساخت و ساختن های سیاسی مربوط به این اقدام بی سابقه که ممکن است سرآغاز بدعت و پدیده تازه ای در روابط بین المللی باشد، بتوان اظهار نظر کرد. رسانه های غرب که توان پوشش آن ها صدها برابر رسانه های سایر کشورهاست، به انتشار یک طرفه این رویداد و اظهارات موافق ادامه می دهند، لذا بر رسانه های سایر کشورهاست که در این زمینه با دنبال کردن و پی گیری قضیه، نگذارند که حق فرد و یا یک ملت از دست برود و قدرتمندان جهانی قدرتمند تر شوند.

این توصیه وقتی معنا پیدا می کند که در نظر بگیریم هم اکنون رهبرانی بر تعدادی از کشورها حکومت می کنند که ابعاد جنایاتشان بسیار وسیع تر از رهبر سابق یوگوسلاوی است. رهبرانی نظیر صدام حسین در عراق، ملا محمد عمر در افغانستان و ...

آیا اقدامات این گروه از رهبران، جنایت علیه بشریت نیست؟!

خبرنگار گزارش در ایالت متحده آمریکا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی